



اهداف گفتمان اسلام-هراسی در اندیشه سیاسی اوانجلیسم

امیر آقاجانی ۱

اسدالله اطهری ۲

محمد رضا حاتمی ۳

حجت الله درویش پور ۴

چکیده

یکی از گفتمان‌های اصلی در جهان معاصر، مسئله اسلام-هراسی است که از نیمه دوم قرن ۲۰ با وقوع جنبش‌های آزادی-خواهی اسلامی و مهمتر از همه انقلاب اسلامی ایران تشدید شد. در این میان اندیشه اوانجلیسم، شیعیان را خطری عمده از جانب تمدن اسلامی برای باورها و آموزه‌های دینی خود پنداشته و با هدایت گسترده رسانه‌ها سعی داشته افکار عمومی جهان را بر ضد شیعیان شکل دهند. با این توضیح، شاید مهمترین دلیل انتخاب این موضوع برای تحقیق، قاعده‌ی عقلی ضرورت شناخت دشمن باشد. هدف تبیین گفتمان اندیشه اوانجلیسم از ترویج اسلام-هراسی جهت حمایت از رژیم صهیونیستی است. فرضیه بیانگر این است که اندیشه اوانجلیسم جریانی فرهنگی، سیاسی و گفتمانی بوده که با تکیه بر آموزه‌های تلمودی و نزاع آخرالزمانی، قصد دارد با ترویج اسلام-هراسی در جهان مهمترین دشمن اسرائیل (مسلمانان) را نابود کرده و باعث تداوم حیات این رژیم گردد. حال سوال اینست که هدف این اندیشه از ترویج و تبلیغ مسئله اسلام-هراسی چیست؟ چارچوب نظری با الهام از نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه، درصدد اثبات فرضیه است. لذا با استعانت از روش توصیفی و تبیینی به تبیین شاخص‌های موردنظر پرداخته و نتایج نشان داده علت این امر را می‌توان تا حد زیادی در تفاسیر تحت-اللفظی کتاب مقدس جستجو نمود که بر اساس آن نیروهای اسلام-گرا همواره تهدیدی بالقوه برای رژیم صهیونیستی به شمار می‌آیند.

۱- دانشکده علوم سیاسی واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول) amiraghajani2050@yahoo.com

۲- استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد واحد تاکستان، قزوین، ایران athary.asadollah@yahoo.com

۳- گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران m.hatami@pnu.ac.ir

۴- گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ایران dr.darvishpour2018@yahoo.com

واژگان کلیدی: اندیشه اوانجلیسم، اسلام‌هراسی، مسلمانان، رسانه‌ها، رژیم صهیونیستی
مقدمه

یکی از روندهای کنونی نظام بین‌الملل، رویارویی غرب با اسلام و دامن زدن به این جریان در محافل آکادمیک و نظریه‌پردازی غرب است. گرچه روند یادشده ریشه در تاریخ دارد، اما در سده معاصر و به‌ویژه در چند دهه اخیر، سیر به شدت صعودی به خود گرفته است. میتوان گفت تحولات مختلف در جوامع اسلامی از یک سو و در جغرافیای غرب از سوی دیگر، به بسط تقابل غرب و اسلام کمک شایانی نموده است؛ بازتاب منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی ایران، رشد گروه‌های اسلامی در پاکستان، عراق، سوریه، افغانستان، مصر، یمن، سودان و دیگر کشورهای اسلامی، اقتدار حزب‌الله لبنان و حماس در برابر رژیم صهیونیستی، و از همه مهمتر گسترش جمعیت مهاجران مسلمان در اروپا و آمریکا، نگرانی از اسلام و مسلمانان را در جامعه غرب فراگیر کرد. به گونه‌ای که امروزه مسئله اسلام‌هراسی به پدیده‌ای چندوجهی در غرب تبدیل گردیده که تمامی ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و استراتژیک را دربرمی‌گیرد. بنابراین ترس از اسلام، جوامع اسلامی و مناطق مسلمان‌نشین، در کنار وجوه مختلف برای تمامی مسیحیان جهان حائز اهمیت شده است. در این فضا گروه‌ها و سازمان‌های مختلف کوشیده‌اند با بزرگ‌نمایی و هدایت این جریان در مسیری خاص، به اهداف شوم خود دست یابند. به عنوان مثال مسیحیان اوانجلیست که جزو سرسخت‌ترین مدافعان رژیم اسرائیل هستند با چاپ کتاب و مقالات، برگزاری سمینارها و نشست‌های متعدد در اقصی نقاط جهان و صرف هزینه‌های گزاف تلاش دارند تا نگاه سوگیرانه خود به اسلام و مسلمین را در میان جوامع غرب گسترش دهند و اسلام‌هراسی را به فصل مشترک گفتمان غرب تبدیل کنند. علت این امر را هم تا حد زیادی می‌توان در تفاسیر تحت‌اللفظی کتاب مقدس جستجو نمود، که بر اساس آن نیروهای اسلام‌گرا تهدیدی بالقوه برای آینده جهان و اسرائیل به شمار می‌آیند و به اعتقاد آنان، تمام مسلمانان تروریست و دشمن خدا هستند، چون دشمن اسرائیل می‌باشند. به طوری که توانسته‌اند با کمک مؤسسه‌ها و نهادهای متعدد در اروپا و آمریکا و با نظم بخشیدن به فعالیت‌های نشریه‌ها و رسانه‌های جمعی، گروه‌های اجتماعی، سیاست‌مداران، کارشناسان و تحلیلگران، نقش مهمی در ترویج اسلام‌هراسی در غرب برای حمایت از بقاء اسرائیل ایفاء کنند.

درویش پور

امروزه اندیشه اوانجلیسم از جمله پویاترین جنبش‌های مذهبی در جهان است که در زمینه اسلام‌هراسی فعالیت می‌کند و همواره توسط ارتشی از مبشران و مبلغان رسانه‌ای، تبلیغ و ترویج می‌شود. این اندیشه با توجه به کتاب مقدس، ابتدا تلاش گسترده‌ای را برای جذب مسیحیان و یهودیان ساده‌اندیش و دل‌باخته ارض موعود گمارد و سپس در صدد القاء تفکر مدیریت حوادث آخرالزمان و عملی کردن مقدمات ظهور مجدد حضرت مسیح (ع) برآمد و رکن اصلی آن همانا حفظ بقای رژیم صهیونیستی در سرزمین موعود (فلسطین) است، پس یهودیان جایگاه برجسته‌ای در تئولوژی آخرالزمانی اندیشه اوانجلیسم داشته و تاکید دارد که گرچه یهودیان، ملت بی‌رحم و منکر حضرت مسیح (ع) هستند؛ ولی موجودیت و بقای آنان، امری اجتناب‌ناپذیر بوده و باید به منظور تحقق شرایط ظهور مجدد مسیح (ع) برای استقرار آنان در کشوری مستقل (اسرائیل) اقدام شود. این اندیشه همچنین مسلمانان را مصداق بارز ضد مسیح پیش‌بینی شده در متون مسیحیت معرفی می‌کند و مصاف با آنان را مهمترین وظیفه دینی همه می‌داند. لذا پیروان اوانجلیسم کسانی‌اند که خود را تحقق‌دهنده به اهداف خداوند از طریق سیاستمداران غربی و یهودی می‌پندارند؛ به همین دلیل است که جزو سرسخت‌ترین مدافعان رژیم صهیونیستی به شمار می‌روند که با توجه به گسترش و نفوذ این جنبش مذهبی، به‌ویژه در هیات حاکمه کشورهای غربی (آمریکا) و افزایش مبلغانی که آن را همراهی می‌کنند، شناخت این جریان را امروزه برای همگان ضروری نموده است.

طی سه دهه اخیر، مبلغان اوانجلیسم در راستای ترویج اسلام‌هراسی با استفاده از رسانه‌های جمعی، به‌ویژه تلویزیون و سینما سعی در القای هرچه بیشتر آموزه‌های آخرالزمانی خود از طریق ساخت فیلم‌های سینمایی، بازی‌های رایانه‌ای و ... به جامعه غرب و زمینه‌سازی ذهنی مسیحیان داشته‌اند تا چهره‌ای منفور، غیرواقعی و ظالمانه از مسلمانان را ارائه دهند. زیرا آنان حسب بسیاری از مطالعات استراتژیک درباره شرایط سیاسی، اجتماعی غرب، بررسی منابع و متون توراتی، آثار پیشگویان و قدّيسان و بالأخره مطالعه منابع و متون اسلامی که حاوی روایاتی درباره آخرالزمان و ظهور منجی موعود است، به خوبی دریافته‌اند که به زودی از شرق اسلامی، نهضتی عظیم حادث خواهد شد و کنترل همه شرایط را از دست یهودیان و مسیحیان حاکم بر جهان، خارج خواهند ساخت. از این رو آنان در اقدامی پیش‌دستانه همه قوای خود را مصروف منحرف ساختن مسیر تاریخ، از بین بردن زمینه‌های قدرت یافتن مسلمانان، کنترل

نقاط استراتژیک شرق اسلامی، حذف دشمنان رژیم صهیونیستی و حضور مستقیم در منطقه- ای نمودند که در آینده منجی موعود از آنجا ظهور خواهد کرد.

پیشینه تحقیق

در ارتباط با اهداف گفتمان اسلام‌هراسی در اندیشه سیاسی اوانجلیسم، پژوهش‌های فراوانی به چشم نمی‌خورد و بیشتر منابع موجود در خصوص اسلام‌هراسی نگاشته شده‌اند. از شاخص-ترین منابع موجود، کتاب بنیادگرایی در اسرائیل اثر شاهاک است، که با رویکردی تاریخی جریان‌های بنیادگرا در اسرائیل را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است، اثر مهم دیگر، کتابی با عنوان بنیادگرایی یهودی است که در آن به موضوعات متنوعی در همین زمینه پرداخته شده است. منابع یادشده، هرچند از حیث تاریخی_نظری از قوت قابل‌ملاحظه‌ای برخوردارند، اما اطلاعات آن‌ها چندان به‌روز نبوده و با توجه به تحولات سریع سیاسی_اجتماعی، گاه قابل استناد نیستند. لذا تاکنون تحقیق مستقل و جامعی در این خصوص صورت نگرفته و اغلب تحقیقات انجام شده بطور پراکنده به این جریان پرداخته‌اند و گاهی نیز به مسائل و مظاهر آن اشاره‌هایی اجمالی کرده‌اند. بنابراین کار درخور توجهی عرضه نشده و این موضوع کاملاً جدید و کاربردی است.

چارچوب مفهومی و مبانی نظری

برای بررسی اهداف گفتمان اسلام‌هراسی در اندیشه سیاسی اوانجلیسم، نیازمند نظریه‌ای بودیم که بتواند همه ابعاد و اهداف را تبیین نماید و ما در میان گستره نظریه‌های فلسفه و زبان‌شناسی، نظریه تحلیل گفتمان ارنستو لاکلا^۱ و شننال موفه^۲ را انتخاب کردیم؛ زیرا این نظریه به دلیل مؤلفه‌هایی مانند دال مرکزی، دال‌های شناور، مفصل‌بندی، حوزه گفتمان‌گونگی، غیریت‌سازی، برجسته‌سازی، حاشیه‌رانی، هژمونی و سرکوب می‌تواند به بهترین وجه، این جریان را تبیین کند. از سویی، تاکید نظریه گفتمان لاکلا و موفه بر عناصر زبان و هویت که در منازعه اسلام و غرب از دیرباز نقشی اساسی داشته‌اند، جامعیت تحلیلی این گفتمان را در موضوع فوق برجسته‌تر می‌کند و نظریه لاکلا و موفه در زمینه گفتمان را می‌توان از کاربردی-ترین نظریات این حوزه دانست. آنچه تحلیل گفتمانی لاکلا و موفه را از سایر نظریه‌های گفتمانی متمایز می‌کند، تسری گفتمان از حوزه فرهنگ و فلسفه به جامعه و سیاست است.

(حسینی‌زاده، ۱۳۸۳، ۱۹۴)

در علوم سیاسی، لاکلا و موفه با بازسازی روش تحلیل گفتمان در چارچوب سنت مارکسیستی، آن را برای تحلیل جامعه پیچیده معاصر به کار گرفته‌اند. به نظر آنها گفتمان، مجموعه‌ای

درویش پور

معنادار از دال‌های به هم مرتبط است که معنای خود را از مفصل‌بندی‌های گفتمانی و در تضاد با گفتمان‌های مخالف به دست می‌آورد. گفتمان‌ها که درک افراد از واقعیت، حقیقت، هویت و رفتار اجتماعی آنها را تشکیل می‌دهد، سازه‌هایی سیاسی و مبتنی بر روابط قدرت‌اند. (حسینی زاده، ۱۳۸۶، ۱۳) تحلیل گفتمان متشکل از شمار زیادی مفاهیم متکثر و البته درهم پیچیده است. مفاهیم واقع در این نظریه به هم مرتبطند و فهم دقیق شاکله نظریه گفتمان و نیز سایر مفاهیم پیرامونی به فهم آنها منوط است. هرچند این مفاهیم، وجوه و پیچیدگی‌هایی دارند، اما ارتباط شبکه‌ای و زنجیره‌وار باهم داشته و دارند. تعریف این مفاهیم می‌تواند بخش نظریه معنایی گفتمان را تأمین کند و به فهم بخش نظریه اجتماعی آن یاری رساند. (مقدمی، ۱۳۹۰، ۹۸)

دال مرکزی: این مفهوم را لاکلا و موفه از لاکان^۳ وام گرفته‌اند. دال مرکزی، نشانه‌ای است که سایر نشانه‌ها حول آن نظم

می‌گیرند. هسته مرکزی منظومه گفتمانی را دال مرکزی تشکیل می‌دهد. (حقیقت، ۱۳۸۵، ۵۱۷) نقطه مرکزی، نشانه برجسته و ممتازی است که نشانه‌های دیگر در سایه آن نظم پیدا می‌کنند و به هم مفصل‌بندی می‌شوند. برای مثال، در گفتمان پزشکی بدن، یک نقطه مرکزی است که نشانه‌های دیگر مانند بافت علائم بیماری، جراحی و کلیه واژه‌هایی که در علوم پزشکی به کار می‌روند، حول آن گرد آمده‌اند. (سلطانی، ۱۳۸۴، ۷۷) دال شناور: دال‌های شناور، نشانه‌هایی‌اند که گفتمان‌های مختلف تلاش می‌کنند تا به آنها به شیوه خاص خودشان معنا ببخشند. (فیلیپس و یورگنسن، ۱۳۸۹، ۲۸) مفصل‌بندی: براساس نظریه گفتمان لاکلا مفصل‌بندی عبارت است از تلفیقی از عناصری که با قرار گرفتن در مجموعه جدید، هویتی تازه می‌یابند. (فیلیپس و یورگنسن، ۱۳۸۹، ۵۶) از این رو، هویت یک گفتمان، بر اثر رابطه‌ای که از طریق مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون پدید می‌آید (هویت ارتباطی) شکل می‌گیرد. (تاجیک، ۱۳۸۳، ۴۶) حوزه گفتمانی: لاکلا و موفه معانی احتمالی نشانه‌ها را که از گفتمان طرد شده‌اند، در حوزه گفتمان گونگی قرار می‌دهند؛ بنابراین، سرریز شدن معانی یک دال یا نشانه به حوزه گفتمان گونگی با هدف ایجاد یکدستی معانی در یک گفتمان انجام می‌شود. (لاکلا و موفه به نقل از مقدمی، ۱۳۹۰، ۱۰۱) پس حوزه گفتمان گونگی، عبارت است از محفظه‌ای از معانی اضافه و بالقوه در بیرون از منظومه گفتمانی خاص که توسط آن طرد شده‌اند. از طرف دیگر، مواد خاصی برای مفصل‌بندی‌های جدید مهیا می‌کنند. (حقیقت، ۱۳۸۵، ۵۱۸)

علاوه بر این، نظریه گفتمان لاکلا و موفه می‌تواند به شکل کارآمد و قابل توجه، فهم تحولات آینده را نیز بر اساس شناخت دال‌های خالی گفتمان‌های حاکم امکان‌پذیر سازد و به گونه‌ای به عرصه دانش آینده‌پژوهی ورود نماید. با چنین رویکردی، این نظریه می‌تواند به مثابه ابزاری برای آسیب‌شناسی و خودترمیمی گفتمان‌های هژمون مورد استفاده قرار گیرد و ادامه استیلای آنان را بر ساحت اجتماع و سیاست میسر سازد. همچنین از دیدگاهی عمل‌گرایانه، کارکرد این نظریه کمک به سوژه‌های سیاسی برای درک بهتر شرایط موجود اجتماعی و چگونگی سامان دادن به یک گفتمان جدید برای دستیابی به هژمونی است. از نظر لاکلا و موفه همه چیز درون گفتمان معنا می‌شود، هویت نیز امری گفتمانی است که گفتمان به افراد و پدیده‌های اجتماعی اعطاء می‌کند. (مقدمی، ۱۳۹۰، ۱۰۲)

در نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه، فهم روش گفتمان بدون فهم مفاهیم ضدیت و غیریت، ناممکن است. گفتمان‌ها اساساً در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرند. هویت‌یابی گفتمان، صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر است. روز را تنها در تعارض با شب می‌توان درک کرد؛ هویت روز وابسته به شب است و برعکس. هویت تمامی گفتمان‌ها نیز منوط و مشروط به وجود غیر آنها است، از این رو گفتمان‌ها، همواره در برابر خود غیریت‌سازی می‌کنند. (کسرابی و شیرازی، ۱۳۸۸، ۳۴۷) از سویی، تأکید نظریه گفتمان لاکلا و موفه بر عناصر زبان و هویت که در منازعه اندیشه غرب و شرق از دیرباز نقشی اساسی داشته، جامعیت تحلیلی این گفتمان را در موضوع فوق برجسته‌تر می‌کند. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶، ۱۳)

با بررسی نظریه لاکلا و موفه چهار عامل را می‌توان یافت که در هژمونیک شدن یک گفتمان یا زوال آن مؤثر هستند، این چهار عامل عبارتند از: الف و ب: اعتبار و دسترسی: لاکلا و موفه عمدتاً با کاربرد دو مفهوم در دسترسی و اعتبار، سعی دارند این مسئله را تبیین کنند که چگونه در طول بحران‌ها، بعضی گفتمان‌ها به نسبت دیگران، با استقبال و موفقیت بیشتری روبه‌رو می‌شوند. ظاهراً آنها چنین القاء می‌کنند که اگر بحران اجتماعی به اندازه کافی شدید باشد، به طوری که سراسر نظر گفتمانی را متزلزل سازد، تنها قابلیت دسترسی کافی است تا پیروزی گفتمان خاصی را تضمین کند. به عبارت دیگر، امکان پیروزی یک گفتمان، به علت ویژگی‌های ذاتی آن نیست، بلکه صرفاً به این دلیل است که گفتمان، تنها ساخت نسبتاً منسجم در دنیای کاملاً آشفته دیگران است. (بابی، ۱۳۷۹، ۷۸) ج و د: طرد و برجسته‌سازی: یکی دیگر از عواملی که در هژمونیک شدن یا زوال گفتمان‌ها اهمیت اساسی دارد و در نظریه لاکلا و موفه به طور ضمنی و کلی اشاراتی به آن شده است، طرد و برجسته‌سازی است. آنگونه که نظریه

اهداف گفتمان اسلام-هراسی در اندیشه سیاسی اوانجلیسم / آقاچانی- اطهری- حاتمی-

درویش پور

گفتمان می‌گوید گفتمان‌های سیاسی به واسطه فرایندهای دوگانه برجسته‌سازی و طرد در اجتماع جریان می‌یابند و سعی در هژمونیک شدن یا تثبیت سلطه دارند. برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، شیوه‌ای بر حفظ و استمرار قدرت است. بدین طریق، قدرت هم به تولید معنا می‌پردازد و هم با به کارگیری ابزارهای انضباط و انقیاد دشمن و غیر را حذف و طرد می‌کند. (سلطانی، ۱۳۸۴، ۱۱۲)

مفهوم اسلام‌هراسی

اصطلاح دویبخشی اسلام‌هراسی^۱ از پیوند کلمه اسلام و پسوند فوبیا تشکیل شده است. واژه فوبیا در لغت‌نامه پیشرفته آکسفورد اینگونه تعریف شده است: ترس یا نفرت شدید و غیرمنطقی از چیزی؛ بدین صورت تعریف اسلام‌هراسی می‌شود: ترس یا نفرت شدید و غیرمنطقی از اسلام. (مجیدی و صادقی، ۱۳۹۳، ۲۱) در ابتدا اغلب منابع اطلاعاتی که مسیحیان در دست داشتند، ویژگی‌های شیعه را به صورت وارونه برای آنها بیان می‌کرد. یکی از این منابع دائرةالمعارف امریکانا^۲، قدیمی‌ترین دائرةالمعارف انگلیسی زبان جهان است که به وسیله یک آلمانی به نام فرانسیس لیبر^۳ در سال ۱۸۲۹ پایه‌گذاری شد. مقالاتی که در این دائرةالمعارف نوشته شده، ۶۵۰۰ مورد بوده که از این تعداد، ۹۳ مورد درباره تشیع و شیعیان است که ۲۲ مورد از آن نیز بدون نام نویسنده است و بقیه اطلاعاتی نادرست درباره شیعه ارائه می‌دهد؛ از جمله، ویلیام تیری، وقایع‌نگار معروف در جنگ‌های صلیبی، شیعه را فرقه‌ای می‌داند که معتقد به پیامبری حضرت علی(ع) است و جبرئیل را خائن می‌داند؛ چون پیام‌الهی را به حضرت محمد(ص) رسانده است. وقایع‌نگار دیگر جنگ‌های صلیبی، ژاک دوویتی نویسنده: که امام علی(ع) و شیعیان او به پیامبر افترا بستند و شریعت او را مورد هجوم قرار دادند. (تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۲، ۱۱) اما اولین بار آلفونسه دینت^۴ نقاش فرانسوی و سلیمان بن‌ابراهیم روشنگر الجزایری، اسلام‌هراسی را در بیوگرافی پیامبر اسلام و برای توصیف اسلام‌هراسی در فرانسه استفاده شد (Allen, 2010,5) با این حال، طبق لغت‌نامه انگلیسی آکسفورد، واژه اسلام‌هراسی برای اولین بار در مقاله مجله مطالعات الهیات سال ۱۹۲۳ ثبت شده و این اصطلاح با انتشار گزارش مؤسسه رانیمد تراست^۵ به حوزه عمومی وارد شد. اما روبین ریچاردسون تأکید می‌کند: واژه اسلام‌هراسی به زبان انگلیسی را برای اولین بار ادوارد سعید در مقاله‌ای با عنوان مطالعه مجدد عقاید شرقی در سال ۱۹۸۵ به کار برده است. مدرک دیگری که نشان‌دهنده استفاده از این اصطلاح است، مربوط به مجله محافظه‌کار امریکایی با نام *Insight on the News* در

فوریه ۱۹۹۱ است که به دشمنی ضداسلام‌گرایی در اتحادیه جماهیر شوروی اشاره می‌کند.
(Richardson, 2009, 3)

در مجموع اسلام‌هراسی، ترسی واهی در میان سیاست‌مداران و افراد عادی است، مبنی بر اینکه دنیای اسلام به طور اعم و مسلمانان مقیم کشورهای غربی به طور اخص منشأ خطر برای مردم و فرهنگ و تمدن غربی تلقی می‌شوند. این ترس نامعقول و واهی از اسلام و مسلمانان، به ناشکیبایی ضد مسلمانان کشورهای غربی دامن زده است و امروزه این فضای ضداسلامی تاحدی

پیش رفته که در برخی از پژوهش‌ها، اسلام‌هراسی به عنوان شکلی از نداشتن تساهل در کنار بیگانه‌هراسی و یهودی‌ستیزی شناخته شده است. در واقع اسلام‌هراسی مفهومی است که به ترس و پیش‌داوری و تبعیض غیرعقلانی در قبال اسلام و مسلمانان اشاره می‌کند. (سیدامامی و حسینی فائق، ۱۳۹۰، ۱۰۱)

نقش مسیحیان اوانجلیست در ترویج اسلام‌هراسی

مجریان جریان اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در سطح جهان بی‌شمارند که نظرات هر کدام برگرفته از نوعی ایدئولوژی ضد دینی یا جریان‌ات سیاسی بوده و مسیحیان اوانجلیست از مهمترین این مبلغان هستند. این فرقه با توجه به تجربه تاریخی خاصی که در مورد نقش و دخالت دین در عرصه اجتماع طی سده‌های میانه دارند، معمولاً به دخالت ادیان در زندگی اجتماعی حساسند. حال، با توجه به نقش اجتماعی دین اسلام، در بین مسیحیان حساسیت ویژه‌ای در مورد گسترش اسلام‌گرایی شکل گرفته است. بسیاری از مبلغان اوانجلیست بر این باورند که اسلام دین خشونت و رکود است. از این رو، مسلمانان نیاز به رنسانس و اصلاحاتی دارند که در جهان غرب اتفاق افتاد و نقش دین را اساساً تغییر داد.

مسیحیان اوانجلیست همچنین برآنند که ظهور مسیح مستلزم اتفاق بزرگی است که عبارت است از پیروزی و حکومت یهودیان. آنها ضمن اعتقاد به برگزیدگی و رسالت یهودیان، به فلسطین به مثابه سرزمین موعود می‌نگرند. به نظر این گروه، تسلط دوباره یهودیان بر قدس در سال ۱۹۶۷ که نشانه و گامی بزرگ برای بازگشت مجدد مسیح است، به این علت اتفاق افتاد که اراده الهی با یهودیان بود. به اعتقاد آنان در آخرالزمان و پیش از ظهور مسیح، در منطقه ای بین فلسطین و اردن، جنگ بزرگی به نام آرماگدون روی خواهد داد که در آن دشمنان یهود و مسیح از سمت شرق خود را به منطقه آرماگدون می‌رسانند و سپس در جنگ با یهودیان شکست می‌خورند. پس از پیروزی اولیه دشمنان، مسیح موعود برای نجات یهودیان ظهور و

درویش پور

با پایان پیروزمندانه جنگ، آنان را به مسیحیت هدایت خواهد کرد. سپس صلح و امنیت واقعی در کل جهان برقرار خواهد شد. قبل از ظهور دوباره مسیح صلح، در جهان معنی ندارد و مسیحیان باید مقدمات جنگ آرماگدون را فراهم آورند. از نظر مسیحیان اوانجلیست، مسجدالاقصی و قبه صخره در بیت المقدس باید تخریب و به جای آن معبد بزرگ و هیکل سلیمان بنا شود. پس از جنگ، بیت المقدس نقش مرکزیت حکومت جهانی را به عهده خواهد داشت. بنابراین ریشه اسلام‌هراسی در اندیشه اوانجلیسم را تا حد زیادی میتوان به تفاسیر تحت‌اللفظی کتاب مقدس یهودیان مربوط دانست که بر اساس آن نیروهای اسلام‌گرا همواره تهدیدی بالقوه برای امنیت رژیم صهیونیستی به شمار می‌آیند. عوامل مختلفی از جمله موقعیت ژئوپلیتیک و ویژگی‌های فرهنگی شیعیان، نظریه خدامحوری شیعه در برابر اومانیسیم غرب، اندیشه نظام واحد جهانی و برخورد تمدن‌ها؛ ویژگی منحصر به فردی را برای شیعه فراهم نموده که با اهداف و نظریه‌های فرهنگی و سیاسی غرب مغایرت دارد و همین مسئله باعث ستیز و دشمنی مسیحیان اوانجلیست با دین اسلام شده است.

مسیحیان اوانجلیست در دهه‌های آخر قرن بیستم میلادی (به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی) دریافته‌اند که ایده مهدویت و فرهنگ ولایی اصیل که توسط شیعیان مطرح می‌شود، از استعداد بالقوه و شگرفی برای تهدید فرهنگ و تمدن الحادی و سیاست استکباری غرب و اسرائیل برخوردار است و به عنوان طرحی جایگزین فرهنگ لیبرالیستی، می‌تواند جاذب عموم مردم سرخورده جهان امروز شود؛ از این رو مخدوش ساختن چهره این فرهنگ، القای این معنا که آینده از آن فرهنگ لیبرالیستی است و بیهوده جلوه دادن هرگونه تلاش برای تغییر وضع موجود، در دستور کار مبلغان اندیشه اوانجلیسم در بخش‌های فرهنگی و سیاسی غرب قرار گرفت. به عبارت دیگر آنها دریافته‌اند که ایده مهدویت مسلمانان می‌تواند کیان فرهنگی و مدنی غرب را با چالش جدی و بنیان‌کن روبه‌رو کند؛ چنان که در یک قرن گذشته، انگلستان با فرقه‌سازی (بهائیت، بابیت، شیخیه و ...) سعی در ایجاد تفرقه و انحراف میان شیعیان و پیروان سایر مذاهب کرده است. حسب برخی آمارها طی سی سال گذشته بیش از ۲۵۰۰ فرقه شبه-مذهبی در جهان ایجاد شده است. می‌توان گفت از زمان برگزاری کنفرانس دهه هشتاد تل‌آویو، مقابله با حاق فرهنگ اصلاح‌طلبانه (فرهنگ ولایی شیعه) و عوامل مبلغ آن، بدل به مهمترین استراتژی غرب برای حفظ نظام سلطه خود در سرزمین‌های شرق اسلامی و سایر بلاد شد. به‌زعم آنان، ارائه چهره‌ای ناپسند از موعود مقدس و معرفی مسلمانان و شیعیان به عنوان

وحشت‌آفرینان تروریست، می‌تواند راه خلاصی از بن‌بست و بحران فراگیر قرن جدید باشد؛ چنان که عموم فیلم‌سازان هالیوود، ارائه تصویری منفی از مسلمانان را یکی از وظایف خویش می‌دانند. (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۰، ۹۳-۹۱)

هدف اصلی مسیحیان اوانجلیست از گسترش شیعه‌ستیزی و شیعه‌هراسی و تبلیغ بر ضد تشیع، منزوی نمودن شیعیان و جلوگیری از قدرت‌یابی روزافزون آنان و توجیهی برای اقدامات و جنگ‌های پیشگیرانه خود در منطقه غرب آسیا است که برای رسیدن به اهداف خود از انواع تاکتیک‌ها از جمله استفاده فراگیر از رسانه‌ها، تحریم‌های اقتصادی، اقدامات نظامی، هجوم گسترده فرهنگی، کمک به ایجاد و گسترش گروهک‌های تکفیری و حمایت از آنها برای مقابله با شیعیان در عراق و سوریه و سایر مناطق شیعه‌نشین، تحریک حکومت‌های مرتجع عربی در خاورمیانه برای مقابله با شیعه، تلاش برای براندازی نظام اسلامی با حمایت معاندان داخلی در ایران و سایر ترفندها و توطئه‌ها بر ضد تشیع استفاده کرده‌اند.

براساس نظرسنجی‌های مؤسسات معتبری همچون گالوپ^۱ و پیو در بیشتر کشورهای غربی تا قبل از حملات ۱۱ سپتامبر، روند اسلام‌هراسی در سطح بسیار کوچکی دنبال می‌شد و اغلب افکار عمومی دیدی خوش‌بینانه به مسلمانان داشتند؛ اما بعد از این اقدام تروریستی، اسلام-هراسی به عرصه عمومی کشانده شده و از طرف سیاست‌گذاران، احزاب، رسانه‌ها و نیروهای فکری به شکل گسترده‌ای دنبال شد و با تداوم اقدامات تروریستی در متروی لندن، متروی مادرید، قتل کارتون‌نویس‌های نشریه شارلی ابدو در پاریس و ظهور گروه‌های بنیادگرای افراطی مانند داعش، جبهه‌النصره، بوکوحرام، الشباب و ... در خاورمیانه و آفریقا، دید منفی به مسلمانان افزایش یافت. پیروان اوانجلیست قصد داشتند با پخش اخبار مربوط به جنگ داخلی در عراق، سوریه و

یمن و ویدئوهای کشتار مردم از سوی گروه‌های تروریستی داعش و جبهه‌النصره و بوکوحرام، القا کنند که چنین گروه‌هایی نماینده و صدای اسلام و مسلمانان هستند و پیروان دین اسلام با ارتکاب خشونت، کشتار، غارت و زن‌ستیزی، فاقد هرگونه ارزش‌های انسانی و مدنیت هستند. در بیشتر رسانه‌های غرب، ویدئوهای اعدام گروهان‌های امریکایی، ژاپنی و انگلیسی، آتش زدن معاذالکساسبه (خلبان اردنی) و کشتار دسته‌جمعی نظامیان و غیرنظامیان اسیر شده از سوی داعش به طور مکرر پخش می‌شد. این تصاویر این کلیشه را در افکار عمومی و اذهان سیاست‌مداران کشورهای غربی نهادینه می‌کرد، که در دین اسلام آموزه‌های خشونت‌زایی نهفته است و کسانی که خود را پیروان حقیقی پیامبر اسلام (ص) معرفی می‌کنند، جز غارت و

اهداف گفتمان اسلام-هراسی در اندیشه سیاسی اوانجلیسم / آقاچانی- اطهری- حاتمی-

درویش پور

قتل و نابودی تمدن‌ها، سودای دیگری در سر ندارند. زمانی که شبه‌نظامیان داعش با حمل پرچم‌های سیاه رنگ با شعار لا اله الا الله محمد رسول الله، ایزدی‌ها را به اسارت گرفتند و به جای برده فروختند، شیعیان را تکفیر کردند و آنها را به روش‌های مختلف به قتل رساندند، آثار باستانی ارزشمند را در عراق و سوریه تخریب کردند، میدان تئاتر شهر تاریخی تدمر در سوریه را به صحنه قتل نظامیان سوری تبدیل کردند و هر کسی را که با باورهای متصلب و خشک-اندیش آنها مخالف بود، به سخت‌ترین روش‌های ممکن اعدام کردند، چهره اسلام و مسلمانان در افکار عمومی و رسانه‌ای لکه‌دار شد و امروزه به همین علل تشدید جریان اسلام‌هراسی در غرب چندان عجیب و غریب جلوه نمی‌کند.

به طور کلی، مسیحیان اوانجلیست همواره نقش بسزایی در ترویج اسلام‌هراسی در غرب ایفا کرده‌اند و با کمک دولت‌مردان غربی از گروه‌های بنیادگرای افراطی مانند داعش استفاده کردند تا اسلام را با تروریسم یکسان فرض کرده و مسلمانان را مظنون اصلی قلمداد کنند و با جنایت-هایی که در کشورهای اسلامی و حملات تروریستی که در غرب انجام می‌دهند، چهره اسلام را خدشه‌دار کرده و زمینه تشدید این جریان را فراهم نمودند. همچنین مسیحیان اوانجلیست به دیگر کنشگران مانند رسانه‌ها، احزاب راست افراطی، گروه‌های غیرسازمان یافته، اتاق‌های فکر و برخی روشنفکران جهان کمک می‌کنند تا توجیه و بهانه‌های لازم برای اقدامات اسلام‌ستیزی را به دست آورند و وضعیت زندگی مسلمانان را در غرب سخت و سخت‌تر کنند. بنابراین جریان اسلام‌هراسی در غرب متأثر از فعالیت افراد و گروه‌ها و سازمان‌های متعددی است که هر کدام با اتخاذ شیوه‌هایی در راستای هدفی واحد گام برمی‌دارند. از این رو در ادامه به ذکر دلایل مسیحیان اوانجلیست از ترویج جریان اسلام‌هراسی و نقش مبلغان و رسانه‌های وابسته به آنها، می‌پردازیم.

دلایل ترویج جریان اسلام‌هراسی از سوی مسیحیان اوانجلیسم

۱. جلوگیری از گسترش اسلام در غرب: به اعتقاد مسیحیان اوانجلیست، به دلیل حجم وسیع مهاجرت به کشورهای غربی پس از جنگ جهانی دوم، به‌ویژه از کشورهای مسلمان آسیایی به کشورهای اروپایی و آمریکا، ترکیب جمعیتی این کشورها به نفع اقلیت‌های اسلامی و آسیایی تبارها چرخش قابل توجهی پیدا کرده است. در حال حاضر، بزرگترین اقلیت‌های مذهبی در کشورهای غربی، مسلمانان هستند. در

ایالات متحده آمریکا تعداد مسلمانان بیش از ده میلیون نفر تخمین زده می‌شود و رشد جمعیت مسلمانان در این کشور حدود شش درصد ارزیابی می‌شود و ایالت‌های میشیگان و تگزاس بیشترین تعداد مسلمانان را دارند. حدود ده درصد جمعیت فرانسه، یعنی حدود شش میلیون نفر و یک‌چهارم جمعیت شهر ماریسی را مسلمانان تشکیل می‌دهند. در آلمان نیز تعداد مسلمانان این کشور حدود پنج میلیون نفر برآورد می‌شود که از این تعداد حدود سه میلیون نفر آن ترک‌تبار هستند. براساس تحقیقات مرکز تحقیقاتی پیو، رشد جمعیت مسلمانان در اروپا به حدود شش درصد رسیده است. این مؤسسه پیش‌بینی کرده است، انگلستان در آینده بیشترین افزایش مسلمانان در اروپا را خواهد داشت. این موضوع با توجه به رشد منفی جمعیت مسیحیان در اروپا موجب هراس از تشکیل اروپای مسلمان در آینده نزدیک شده است. به گونه‌ای که در سال‌های اخیر علاوه بر افزایش رشد جمعیت و مهاجرت مسلمانان به غرب، تعداد افرادی که به اسلام گرایش پیدا کرده‌اند نیز با گسترش بی‌سابقه مراکز اسلامی، سیر صعودی یافته و موجب شده اسلام‌هراسی در صدر سیاست‌های کشورهای غربی قرار گیرد. بر این اساس مسیحیان اوانجلیست در صد هستند تا نفرت از مسلمانان را افزایش دهند و از امواج گرایش به اسلام خودداری گردد.

۲. جلوگیری از بیداری اسلامی و احیای هویت مسلمانان: پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران که موجب گسترش و توسعه بیداری اسلامی و کنشگری فعال مسلمانان در قبال تبعیض و بی‌عدالتی شد. در واقع این پیروزی موجب دمیدن روحی جدید در کالبد بی‌روح جنبش‌های اسلامی معاصر شد که در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم به فترت و سکون کشیده شده بودند. بازگشت به اسلام اصیل و همبستگی و انسجام دینی و هویتی در سال‌های اخیر، موجب گسترش بیداری اسلامی و احیای جنبش‌های اسلامی از فلیپین در شرق آسیا تا غرب اروپا گردیده است. لذا این امر موجب شده تا مسیحیان اوانجلیست به این نتیجه برسند که باید در برابر سیل بیداری اسلامی و بازپایی هویت مسلمانان ایستاده و با آن مقابله کنند؛ از این رو تلاش می‌کنند با حمله به مقدسات اسلامی از جمله وجود مقدس پیامبر عظیم‌الشأن اسلام، جایگاه مقدسات را کمرنگ کنند.

درویش پور

۳. سرپوشی بر ناکارآمدی نظام‌های سیاسی در غرب: در حال حاضر مسیحیان اوانجلیست با اتخاذ رویکردهای پوپولیستی سیاست تقابل جدی و مقابله با اسلام را در دستور کار خود قرار داده‌اند. این امر می‌تواند اذهان و افکار عمومی مسیحیان جهان را از ناکارآمدی و مشکلات جدی نظام‌های سیاسی غرب را به سوی پدیده‌ای به نام اسلام‌هراسی منحرف کند تا فشار ناشی از ناکارآمدی‌ها و نارسایی‌های موجود را کاهش دهد. به‌ویژه اینکه در کشورهایی مانند آمریکا، فرانسه، آلمان و بلژیک که سردمدار اهانت به مقدسات اسلامی هستند، جریان‌های راست‌افراطی به دنبال کسب آرای مردم و افکار عمومی هستند تا با پر رنگ کردن وجود دشمن مشترک بتوانند آرای لازم را برای ورود به مجلس و کسب قدرت در دولت‌های خود کسب کنند.

۴. مبارزه با اسلام به عنوان دین پویا: مسیحیان اوانجلیست معتقدند نظام غرب از دهه ۱۹۹۰ با ارائه نظریه برخورد تمدن‌های ساموئل هانتینگتون و نظریه پایان تاریخ فرانسیس فوکویاما وارد منازعه جدی و اساسی با اسلام در حوزه معرفتی شده است. منازعه اسلام و غرب دو لایه عمیق و زیرین و لایه سطحی و ظاهری دارد. این منازعه در لایه زیرین که کاملاً سبقت دینی و ایدئولوژیک دارد، در قالب تنازع بین پست-مدرنیته و اسلام نمایان شده است. با عنایت به اینکه جریان پست‌مدرنیته به این نتیجه رسیده است که اسلام ویژگی‌های برجسته‌ای برای تمدن‌سازی و گفتمان‌سازی دارد و ماهیت این مکتب الهی به‌گونه‌ای است که به سرعت توسعه پیدا می‌کند، لذا پست‌مدرن چون توانایی منازعه مستقیم معرفتی را با تمدن اسلام ندارد، تلاش می‌کند تا ستیز و منازعه خود را در لایه سطحی و ظاهری انجام دهد؛ چرا که منازعه در لایه زیرین و در حوزه معرفتی موجب شکست آنها خواهد شد؛ به همین دلیل به دنبال این هستند که اسلام را دینی متحجر و خشن نشان داده تا نگاه افکار عمومی به مبانی معرفتی تمدن‌ساز اسلام نگاهی نفرت‌انگیز شود، نه نگاه سازنده و پویا.

۵. ایجاد تقابل و شکاف بین مسلمانان در غرب: به اعتقاد آنان، ورود به عرصه منازعه و ستیز با تمدن اسلامی نیازمند آزمودن میزان همبستگی و انسجام در جهان اسلام است. که با وجود تنوع نژادی، قومیتی، زبانی و مذهبی در بین مسلمانان مقیم

کشورهای غربی اما همواره شاهد نوعی انسجام و همبستگی حول یک هویت جمعی واحد هستیم. که همانا وجود مقدس پیامبر اسلام(ص) به منزله عامل وحدت بخش بین مسلمانان موجب نوعی اتحاد و همبستگی بین مسلمانان جهان شده و می تواند در مواقع لازم آنها را متحد کند و این همبستگی مسیحیان اوانجلیست را هراسان کرده است. بنابراین با توسعه روزافزون گرایش به اسلام و تمایل افکار عمومی غرب برای آشنایی بیشتر با آموزه های اسلامی موجب شده که آنان با استفاده از رسانه های جمعی تصویری خشن از اسلام ارائه دهند تا مذاهب مختلف در بین مسلمانان یکدیگر را به توسعه خشونت متهم کنند و از این طریق بتواند دودستگی را بین آنها توسعه دهند.

۶. انحراف افکار عمومی از خاستگاه تشکیل گروه های تروریستی تکفیری: یکی دیگر از شگردهای مسیحیان اوانجلیست این است که افکار عمومی را به مسائل فرعی مشغول کرده تا از مسائل اصلی منحرف شده و در برابر آن واکنش نشان ندهند. مسیحیان اوانجلیست که بنیانگذار و حامی گروه های تکفیری و تروریستی در جهان هستند با اهانت به ساحت مقدس پیامبر اسلام(ص) در تلاش هستند تا افکار عمومی را به مسائل فرعی و حاشیه ای مشغول کنند و ابهامات درباره خاستگاه گروه های تروریستی، بعد از مدتی به فراموشی سپرده شود. بنابراین مسیحیان اوانجلیست برای انحراف افکار عمومی از عملکرد نظام های غربی در توسعه و گسترش جنگ و خونریزی در غرب آسیا به دنبال پر رنگ کردن مسائلی هستند که افکار عمومی غرب نسبت به آن حساسیت دارند. بنابراین وحشت از گروه های خشن و تروریستی می-تواند بهترین حربه برای آنها باشد.

در مجموع مهمترین اهداف مسیحیان اوانجلیست از ترویج مسئله اسلام هراسی در غرب می-توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مقابله با قدرت یابی تشیع و جلوگیری از نفوذ آنان در جهان:
- توجیهی برای حضور خود در منطقه خاورمیانه با راه اندازی جنگ روانی در منطقه و ایجاد ناامنی و اختلافات میان مسلمانان؛
- ارائه تصویری نادرست از اسلام به صورت دین خشن و متجاوز به جهان و هدایت افکار عمومی در این راستا؛
- تلاش در جهت ایجاد نفرت از مسلمانان در جهان؛

اهداف گفتمان اسلام-هراسی در اندیشه سیاسی اوانجلیسم / آقاچانی- اطهری- حاتمی-

درویش پور

- ایجاد وحشت و هراس از اسلام و مسلمانان در جهان؛
- اعمال فشار قانونی و غیرقانونی برای محدود کردن مسلمانان در زندگی خصوصی و اجتماعی؛
- تأمین منافع لابی‌های صهیونیستی و افراطی تندرو مسیحی؛
- جلوگیری از رشد و گسترش نظام‌های اسلامی در خاورمیانه؛
- تلاش در جهت معرفی هویت اسلامی به صورت هویت غیرخودی و بیگانه، در برابر هویت خودی غربی در افکار عمومی؛
- مشروعیت‌بخشی به جنگ افروزی‌ها و تجاوز نظامی به جهان اسلام؛
- معرفی مسلمانان به عنوان کانون اقدامات تروریستی در جهان؛
- تخریب شخصیت پیامبر اسلام و ارائه چهره‌ای نادرست از ایشان در جهان.

نقش مبلغان اندیشه اوانجلیسم

در راستای ترویج اسلام‌هراسی مبلغان اندیشه اوانجلیسم همواره روابط ویژه و فزاینده‌ای با دیگر گروه‌های ضداسلام‌گرا داشته و تلاش‌هایی را برای سازماندهی و تبلیغات ضدمسلمانان انجام می‌دهند. در این میان برخی از شخصیت‌های اوانجلیستی مانند پت رابرتسون، جان هاگی، رالف رید، فرانکلین گراهام، نفوذ بیشتری در ترویج اسلام‌هراسی داشته که در ادامه دیدگاه‌های هر کدام از این افراد به تفکیک بررسی می‌نماییم.

پت رابرتسون: او یکی از شخصیت‌های مهم اوانجلیست است که لفاظی‌های ضدمسلمانان را به طور فزاینده‌ای تشدید و منابع قابل توجهی را برای کمک به جنبش‌های ضداسلامی بسیج کرده است. رابرتسون توانسته از طریق نفوذ در شبکه‌های رسانه‌ای غربی، عقاید ضداسلامی-اش را به پیش ببرد. او در ۱۹۸۹ ائتلاف مسیحیت را پایه‌گذاری کرد و منادی ائتلاف آزادی و عقیده رالف رید شد که بر هواداری از سیاست‌های مسیحی محافظه‌کارانه تمرکز داشت. از دیگر فعالیت‌های رابرتسون می‌توان به تأسیس شبکه تلویزیونی مسیحیان و دانشگاه ریگنت و مرکز امریکایی قانون و عدالت اشاره کرد. (Ali et al, 2011, 72)

رابرتسون که مجری برنامه باشگاه هفتصدتایی‌ها در شبکه رادیویی مسیحیت بوده، از این برنامه برای پیشبرد ایدئولوژی‌های مذهبی-سیاسی اندیشه اوانجلیستی خود بهره برده است. کمتر از دو هفته بعد از حملات مرگبار آندره‌س بر بویک در نروژ، رابرتسون در برنامه باشگاه هفتصدتایی‌ها با رابرت اسپنسر درباره دین اسلام بحث کرد. در این برنامه، رابرتسون هیچ

پرسش چالش‌برانگیزی از اسپنسر درباره انگیزه خشونت‌بار بر بویک مطرح نکرد. در عوض اسپنسر بدون چالش، علیه رسانه‌ها یاوه‌سرایی و دیدگاه‌هایش درباره شیطان بودن همه مسلمانان را تکرار کرد. (Clifton, 2011)

مرکز امریکایی حقوق و عدالت رابرتسون^۱ نیز که در سال ۱۹۹۰ برای مقابله با اتحادیه آزادی‌های مدنی امریکا پایه‌گذاری شد، به گفته رهبران آن، برای دفاع از آزادی‌های مذهبی ایجاد شده است. اما این مرکز بیشتر از همه بر اسلام تمرکز داشته و می‌کوشد تا به طرز مؤثری جامعه ادیان غیرمسیحی را از حقوق حمایت شده قانونی‌شان محروم کند. جی سیکولو^۲ مدیر اجرایی مرکز ACLU در روزنامه واشنگتن تایمز عقیده‌اش را مبنی بر مخالفت با مساجد بیان کرده و آزادی بیان را مغایر با احداث مساجد دانست. ACLU همچنین با شبکه خبری فاکس نیوز و پاتریک پول^۳ نویسنده رسانه‌ای وبلاگ Pajamas همکاری می‌کند تا خبرهایی را درباره نفوذ بالقوه اسلام‌گراهای افراطی به کنگره مسلمانان جعل کند. مرکز ACLU با بنیاد برای امریکا عمل کنید نیز همکاری‌های زیادی دارد تا جامعه امریکا را درباره خطر مسلمانان و اسلام آگاه کنند. رابرتسون در مقام پایه‌گذار و مدیر مرکزی ACLU نقش زیادی را در پیشبرد فرایند اسلام‌هراسی و افزایش ارتباطات با دیگر شبکه‌های اسلام‌هراسی ایفا می‌کند (Ali et al, 2011, 73) جان هاگی: او نمونه دیگری است از اینکه مسیحیان اوانجلیست چگونه دیدگاه‌های ضد مسلمانان را باهم تلفیق می‌کنند. وی که مؤسس جبهه متحد مسیحیان برای رژیم صهیونیستی، مدیرعامل تلویزیون جهانی اوانجلیک‌ها و همچنین بنیانگذار تشکیلی فراکلیسایی با نام کورنور استون است، نظرات موهوم خود درباره اسلام و مسلمانان امریکا را مکرراً بیان می‌کند. برخی نظرات وی عبارت‌اند از: ۱. خانم‌ها و آقایان محترم، امریکا در حال جنگ با اسلام افراطی است. جهاد در حال سرایت به امریکاست. اگر ما جنگ با فاشیسم را ببازیم، این جریان، جهانی را که می‌شناسیم، تغییر خواهد داد. ۲. آنها (مسلمانان)، از زمان عجین شدن با پستان‌های مادرانشان یاد می‌گیرند که از ما متنفر باشند. اسلام افراطی، نوعی خط‌مشی برای مرگ است. مرگ آرزوی آنهاست، مرگ امید آنهاست، مرگ آمال آنهاست و بزرگترین افتخارشان این است که در جنگ با کافران بمیرند و شما کافران هستید و هیچ مؤلفه‌ای وجود ندارد که شما را با آنها همسان کند. ۳. فرقه‌های افراطی اسلام که شامل ۲۰۰ میلیون مسلمان است، اعتقاد دارند که از جانب خدا برای کشتن مسیحیان و یهودیان فرمان دارند. (Brown, 2006)

اهداف گفتمان اسلام-هراسی در اندیشه سیاسی اوانجلیسم / آقاجانی- اطهری- حاتمی-

درویش پور

جان هاگی که با دیگر اعضای شبکه اسلام‌هراسی روابط ویژه‌ای دارد، بارها از فرانک گافنی برای شرکت در کنفرانس‌های بنیاد مسیحیان امریکا برای حمایت از رژیم صهیونیستی دعوت کرده و بر مداخله امریکا ضد ایران اصرار ورزیده است، زیرا او باور دارد که ایران به نابودی تمدن غرب متعهد است؛ اخیراً در انجمن‌های خیریه، هاگی لفاظی‌های هشدارآمیز گافنی را تکرار کرده و معتقد است که شریعت جهانی، به این معناست که همه ملل تحت قانون اسلام زندگی کنند. هرگز فراموش نکنید که این جنگی کلامی و اعتقادی است. (Posner, 2011)

رالف رید^۴: او که پیش‌تر شاگرد پت رابرتسون بوده است، با پیوستن به ائتلاف دین و آزادی^۵، در پی اتحاد رأی‌دهندگان پروتستان و جنبش تی‌پارتی بود تا بلوک رأی‌دهنده محافظه‌کار مسیحی مؤثر و قدرتمندی را تشکیل دهد. وی که به دنبال افزایش موفقیت‌هایش با ائتلاف مسیحیان بود، یکی از سازمان‌دهندگان اصلی اوانجلیست شد و به جمهوری خواهان کمک کرد تا کنترل مجلس و سنا را در سال ۱۹۹۴ به دست گیرند. رید به هواداران خود این قول را داد که ائتلاف آزادی و عقیده در سال ۲۰۱۲ می‌تواند یک میلیون رأی‌دهنده را جذب و با ده‌ها میلیون رأی‌دهنده نیز ارتباط برقرار کند و به یکی از بزرگترین بلوک‌های رأی‌دهنده محافظه-کار در تاریخ سیاسی مدرن تبدیل گردد. همانطور که در وبسایت رید ذکر شده، یکی از مهمترین اهداف سازمان او نفوذ به حوزه سیاسی قانون‌گذاری در هر سطح حکومتی است.

(Ali et al, 2011, 75)

فرانکلین گراهام: فرانکلین گراهام، مسیحی اوانجلیست، مبلغ مذهبی و پسر بیلی گراهام، مشهورترین و پرنفوذترین اوانجلیک جهان است. فرانکلین رئیس اتحادیه پروتستان‌های مسیحی بیلی گراهام است و بعد از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر در واشنگتن و نیویورک-سیتی، اسلام را دینی کاملاً شیطنی و جادویی نامید. گراهام در اکتبر ۲۰۱۰ در مناظره برنامه توان‌هاال شبکه خبری ABC و با عنوان آیا امریکایی‌ها باید از اسلام بترسند؟ شرکت کرد. یکی از همکاران وی در این مناظره، رابرت اسپنسر، مدیر سایت دیده‌بان جهاد بود. گراهام در این برنامه تأکید کرد، مسلمانان می‌خواهند مساجد و مراکز فرهنگی متعددی را احداث کنند و همانگونه نیز می‌توانند بسیاری از امریکایی‌ها را مسلمان کنند! من این موضوع را می‌دانم.

(Mac Niol, 2010)

نقش رسانه‌های اوانجلیستی

رسانه‌ها همواره به دلیل نفوذ و تاثیر عمیق بر افکار عمومی، بیش از همه در التهاب‌آفرینی و تحریک اذهان و ترغیب دولتمردان مسئول به اعمال سیاست‌های تبعیض‌آمیز و فشارهای مدنی، حقوقی و روانی علیه مسلمانان اثرگذار بوده‌اند. از این رو، تردیدی نیست که بخش قابل توجهی از گفتمان و فضای اسلام‌هراسی موجود در غرب، ناشی از عملکرد احساسی رسانه‌ها است. به اعتقاد برخی تحلیل‌گران، نحوه بازنمایی اسلام در رسانه‌های غرب، خود یکی از عوامل مؤثر در تشدید و گسترش موج اسلام‌هراسی و ایجاد تقابل و تعارض در سطوح فرهنگی اجتماعی بوده است. در هر صورت، رسانه‌ها نقشی مهم در بسط و تعمیق جریان اسلام‌هراسی در غرب داشته‌اند که از آنجمله می‌توان به:

شبکه تلویزیونی فاکس‌نیوز: این شبکه یکی از بزرگترین و پرنفوذترین شبکه‌های تلویزیونی در امریکاست. مسیحیان اوانجلیست از این شبکه برای تقویت تهدیدهای هشداردهنده ضد مسلمانان و تئوری‌های توطئه‌آمیز بر اساس قواعد معین استفاده می‌کنند. تقریباً همه بازیگران برجسته جریان اسلام‌هراسی در برنامه‌های محبوب فاکس‌نیوز، مانند هانیتی^۶ و فاکس و دوستان، ظاهر می‌شوند. (Ali et al, 2011, 98)

این شبکه خبری از نیوت‌گینگریج^۱ سخنگوی پیشین مجلس نمایندگان در جایگاه مفسر بهره می‌برد و وی همواره از عقاید ضداسلامی حمایت می‌کند. او بعد از اینکه شش امام جماعت مساجد پرواز مینه‌بولیس بازداشت شدند، خواهان جلوگیری از آزادی بیان برای اشاعه پیام‌های تروریست‌ها شد. (Ali et al, 2011, 96) بازیگران جریان اسلام‌هراسی در برنامه‌های فاکس‌نیوز، اخبارهای یکدیگر را انعکاس می‌دهند و تهدیدهای مشابهی که در رادیو، وبلاگ‌ها، روزنامه‌ها و مجلات آنلاین بیان کرده‌اند، به طور پیاپی تکرار می‌کنند. عمده‌ترین تهدیدهای آنها عبارتند از اینکه مسلمانان در حال تحمیل شریعت در امریکا هستند، مسلمانان در حال تثبیت خلافت جهانی هستند، مسلمانان مشغول جهاد در امریکا هستند و مسلمانان در حال نفوذ به دولت امریکا هستند تا از دستور کار اسلام‌گرایی خطرناک حمایت کنند (Ali et al, 2011, 96) متأسفانه، این تاکتیک‌های ترسناک مؤثر واقع شده‌اند. چندان تعجب برانگیز نیست که این تهدیدهای هشدارآمیز به طور مکرر از سوی میلیون‌ها شهروند تکرار شدند و به تعالیم معمول تبدیل گردید. اخیراً نیز نظرسنجی مؤسسه‌ای تحقیقاتی درباره ارتباط بین دیدگاه‌های افراطی در خصوص مسلمانان و اسلام از یک سو و اخبار فاکس‌نیوز از سوی دیگر، منتشر شده که نتایج معنادار و درخور توجهی در رابطه با اسلام‌هراسی ارائه می‌دهد: ۱. شهروندان امریکایی که بیشترین اعتماد را به اخبار فاکس‌نیوز دارند، باور پیدا کردند که

اهداف گفتمان اسلام-هراسی در اندیشه سیاسی اوانجلیسم / آقاجانی- اطهری- حاتمی-

درویش پور

مسلمانان می خواهند قانون شریعت را تثبیت کنند، اقدام کافی برای مخالفت با افراط‌گرایی در امریکا انجام نمی‌شود و نیز تاکید کردند بررسی افراط‌گرایی اسلامی ایده خوبی است. ۲. تقریباً جمهوری خواهان دو برابر دموکرات‌ها باور دارند که مسلمانان می خواهند قانون شریعت را در امریکا تثبیت کنند و ۲۰ درصد پروتستان‌های سفیدپوست و ۲۲ درصد کاتولیک‌های سفیدپوست این ایده را تأیید می‌کنند. ۳. بیش از سه چهارم افرادی که به اخبار فاکس نیوز اعتماد دارند، بر این باورند که دیدگاه‌های سناتور جمهوری خواهی چون پیتر کینگ درباره افراطی شدن مسلمانان ایده بسیار خوبی است. این در حالی است که این آمار برای افرادی که بیشترین اعتماد را به CNN دارند ۴۵ درصد و برای کسانی که به اخبار تلویزیون‌های دولتی اعتماد دارند، ۲۸ درصد است.

(Ali et al, 2011, 98)

واشنگتن تایمز: واشنگتن تایمز روزنامه و وبسایتی با گرایش‌های محافظه‌کارانه است که سان میونگ مون^۲، بنیانگذار کلیسای اتحاد آن را راه‌اندازی کرده است. واشنگتن تایمز به لحاظ اجتماعی و سیاسی اخبار محافظه‌کاران و شبکه‌های اسلام‌هراسی را پوشش می‌دهد و از آن حمایت می‌کند. واشنگتن تایمز به پوشش دیدگاه‌های دیوید پروشالمی^۳ درباره مساجد امریکا نیز کمک فراوانی کرده است. او صفحه‌ای را نیز برای حمله به ساختمان پارک ۵۱ اختصاص داده و برخی مقاله‌نویسان این روزنامه در خصوص خیالبافی در مورد اینکه باراک اوباما مسلمان است، فعال هستند. (Ali et al, 2011, 100)

مجله نشنال ریویو^۴: نشنال ریویو را که هر دو هفته یک بار منتشر می‌شود، در ۱۹۵۵ و بلیام باکلی^۵ که از نیروهای محافظه‌کاران امریکایی است، راه‌اندازی کرد. این مجله دیدگاه‌ها و اخبار وبسایت‌ها و سایر رسانه‌های محافظه‌کار را پوشش می‌دهد و بلندگوی این جریان در جامعه امریکاست. اما در حالی که دست‌اندرکاران نشنال ریویو ادعا می‌کنند، مطالب این مجله بیشتر برای محافظه‌کاران است، نوشته‌ها و مقاله‌های آن هشدارهایی را ضد مسلمانان و اسلام، به دروغ و در قالب زبانی ویژه مطرح می‌کند. مجله نشنال ریویو مقالاتی از آندره مک کارتی^۶، نویسنده کتاب جهاد بزرگ؛ اسلام و چپ‌گراها چگونه امریکا را تخریب می‌کنند، منتشر می‌کند. مک کارتی نویسنده گزارش‌های مرکز سیاست امنیتی درباره تهدید شریعت برای امریکا نیز می‌باشد.

وی در ستون مقالاتش در این مجله ادعاهایش درباره تهدید شریعت را به طور مکرر بیان کرده است. (Mc carthy, 2010)

نشنال ریویو، مقالاتی نیز از دانیل پایپس^۱ در مجله و وبسایتش منتشر می‌کند. پایپس در ۱۹۹۰ در همین مجله نوشت: جوامع اروپایی غربی اصلاً آمادگی پذیرش مهاجران گسترده مردم قهوه‌ای پوست را ندارند. مردمی که دارای روش پخت و پز عجیب و استانداردهای متفاوت بهداشت هستند. همه مهاجران گرایش‌ها و رسوم عجیبی را با خود آورده‌اند، اما رسوم و عادات مسلمانان مشکلات بسیار بیشتری به همراه آورده است. (Ali et al, 2011, 100)

بنیاد کلاریون^۲: بنیاد کلاریون سازمان غیرانتفاعی مستقلی در شهر نیویورک است که تلاش می‌کند به امریکایی‌ها آموزش‌هایی درباره موضوعات امنیت ملی با تمرکز بر حوزه تهدیدهای اسلام افراطی را ارائه کند. این سازمان را فردی کانادایی_صهیونیست به نام خاخام رافائل شور^۳ بنیان نهاده است. گرچه اطلاعات درباره منابع مالی او بسیار کم است، اما شواهد نشان می‌دهد که بیر سعید^۴ از تجار شیکاگو مبلغی حدود ۱۷ میلیون دلار به بنیاد کلاریون داده است تا از تولید و انتشار فیلم‌های ضداسلامی حمایت مالی کند. فیلم تعصب، جنگ اسلام افراطی علیه غرب همان فیلمی است که این سرمایه برای تولید آن اختصاص داده شده است. بنیاد کلاریون همچنین مستندی به نام جهاد سوم منتشر کرده که در آن شخصیتی ضداسلامی مانند زهدی یاسر، کار گویندگی آن را برعهده گرفته و هدف اصلی از تولید این فیلم مستند، آموزش مسائل تروریستی به مأموران پلیس بوده است. یکی از مأموران پلیس پس از مشاهده این فیلم گفته: این فیلم به طور باور نکردنی، یک‌جانبه و مسخره بود. این فیلم فقط تلاش می‌کرد چهره‌ای دشمن‌گونه از مسلمانان به نمایش بگذارد و صرفاً فیلمی تبلیغاتی بود، نه چیزی دیگر. (دهشیری، ۱۳۹۲، ۱۳۱)

شبکه تلویزیونی مسیحی^۵: این شبکه تلویزیونی نفوذ کمتری در مقایسه با شبکه خبری فاکس نیوز دارد؛ اما دارای تأثیر بیشتری در میان مخاطبان مذهبی محافظه‌کار دارد. این شبکه دیدگاه‌های ضداسلامی را در میان مخاطبان مسیحی به شدت تقویت می‌کند و در بعضی از موارد حتی نظرات بسیار افراطی‌تری، در قیاس با فاکس نیوز دارد. (Ali et al, 2011, 99) پت رابرتسون این شبکه را در ۱۹۶۱ تأسیس کرد و از آن زمان وی توانسته از ادعاهای ماجراجویانه ضدمسلمانان و اسلام حمایت کند. رابرتسون در برنامه باشگاه ۷۰۰ تایی‌ها، مسلمانان را با نازی-ها مقایسه کرده و اسلام را نظام سیاسی خشنی نامیده است که می‌کوشد همه دولت‌های دنیا

درویش پور

را سرنگون کند و به سلطه‌ای جهانی دست یابد. رابرتسون این سوال را مطرح می‌کند که چرا ما نمی‌توانیم علیه نهادی صحبت کنیم که در پی تسلط بر ما و در حال تحمیل قانون شریعت و تحت پوشش قرار دادن ما به عنوان بخشی از خلاقیت جهانی است. (Mantyla, 2009) یکی دیگر از شخصیت‌های شبکه تلویزیونی مسیحیت اریک استاکل‌بک⁶ مجری برنامه استاکل‌بک و ترور⁷ است. استاکل‌بک در مقام نویسنده و تحلیلگر در پروژه پژوهشی تروریسم با استیون امرسون همکاری کرد و از برنامه تلویزیونی خود برای تکرار ادعاهای کذب امرسون که شامل نقل قول و استفاده از اطلاعات غلط وی بوده، بهره گرفت. استاکل‌بک در ژوئن ۲۰۱۱، فرانک گافنی، ال.تی ویلیام⁸ و ژنرال بویکین⁹ از چهره‌های مشهور اسلام‌ستیز را در برنامه خود دعوت کرد تا تهدید شریعت برای امریکا را بررسی کنند. گفتنی است ژنرال بویکین چند سال قبل در ژوئن ۲۰۰۳ در حالی که لباس نظامی پوشیده بود، در برنامه‌ای تلویزیونی ظاهر شد و با بیان اینکه باید روح ارتش برای نبرد با اسلام باشد و مسلمانان از امریکا متنفر هستند، قانون وزارت دفاع را نقض کرد. او همچنین مباحثات می‌کند که خدای او خدای واقعی است، در حالی که خدای مسلمانان دغل‌باز است. (Ali et al, 2011, 99)

نتیجه‌گیری

در نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه به لحاظ شمولیت چند مؤلفه مانند دال مرکزی، غیریت-ساز، منطق‌های هم‌ارزی و تفاوت، نقش اساسی عوامل سیاسی و مکانیسم‌های حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی، از منطق پایداری در تبیین راهبرد اسلام‌هراسی از سوی مسیحیان اوانجلیست برخوردار است. بر این اساس، مسیحیان اوانجلیست عمدتاً شخصیت پیامبر اسلام (ص) و کتاب قرآن کریم را مورد حمله شدید قرار داده‌اند؛ زیرا دریافته‌اند که برای تکوین و ترویج اسلام‌هراسی، باید بر دال مرکزی اسلام تمرکز کرد و از این رو، بیشتر تلاش‌ها در راستای توهین به حضرت محمد(ص) و کتاب آسمانی مسلمانان انجام می‌شود. مسیحیان اوانجلیست می‌دانند که پیامبر و قرآن، کانون و نقطه محوری اسلام هستند و برای ضربه زدن به مسلمانان و جریحه‌دار کردن احساسات آنها، این دو را هدف قرار داده‌اند و عامدانه می‌کوشند از طریق سخنرانی، انتشار فیلم، کاریکاتور، مقاله و کتاب، به دال مرکزی مسلمانان حمله کنند و تلاش دارند افکار عمومی و سیاست‌مداران غربی را متوجه این نکته کنند که کانون‌های هویت‌بخش و دال مرکزی مسلمانان از مشروعیت برخوردار نیستند و اسلام در ذات خود دارای مشکل است.

مکانیسم برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی نیز از مؤلفه‌های نظریه گفتمانی لاکلا و موفه است که در تحلیل کنش‌های بازیگران جریان اسلام‌هراسی قابل توجه است. بر اساس این مؤلفه، مسیحیان اوانجلیست، هرگونه اقدام خشونت‌آمیز از سوی گروه‌های افراطی مذهبی را به عنوان امری همگانی در جهان اسلام به تصویر می‌کشند و رفتار جمعیت کثیر مسلمانان در شرق و غرب را نادیده گرفته و به حاشیه می‌رانند. مسیحیان اوانجلیست از عبادت آرامش‌بخش مسلمانان در مساجد و آیین‌های حج و عاشورا به سادگی می‌گذرند و نکته‌ای در صلح‌آمیز بودن این رفتارها بیان نمی‌کنند، اما اگر چند نیروی افراطگرا کارکنان مجله شارلی ابدو را به قتل برسانند، به عنوان چهره اسلام و رفتار اسلامی توصیف می‌کنند. صد البته که ترور و کشتن جان هر انسانی از سوی هر فردی محکوم است و مسلمانان نیز وظیفه دارند رفتارهای تروریستی را در هر مکانی تقبیح کنند، اما نکته اینجاست که خود مسلمانان بیش از پیروان هر دین و گروهی قربانی خشونت‌های ستیزه‌جو هستند و گروه‌هایی مانند داعش، القاعده، بوکوحرام، الشباب و ... مورد قبول هیچ مسلمانی نیست و در تضاد با آیین اسلام قرار دارند. مسیحیان اوانجلیست همچنین، آیه‌هایی را که شامل مضامین جهاد است، به عنوان دعوت اسلام به خشونت و ترور قلمداد کرده و آنها را برجسته می‌کنند، اما از آیات فراوانی که پیام‌رسان صلح، رحمت و برادری هستند چشم‌پوشی کرده و به حاشیه می‌رانند. از سویی رسانه‌ها و مبلغان اوانجلیست، با در پیش گرفتن شیوه‌هایی منطق‌هم‌ارزی و تفاوت سعی می‌کنند هویت غرب را مستقل و مثبت نشان دهند و هویتی سلبی و منفی برای اسلام و مسلمانان ترسیم کنند. منطق هم‌ارزی و تفاوت، به بازیگران جریان اسلام‌هراسی این امکان را می‌دهد که واگرایی میان اسلام و غرب را تشدید کنند.

بنابراین مسیحیان اوانجلیست در اولین گام می‌کوشند غیریت‌سازی و دگرآفرینی بین اسلام/مسیحیت در غرب را پررنگ کنند. در این چارچوب، هجمه به پیامبر گرامی اسلام و قرآن کریم به عنوان دال مرکزی و محور هویت بخش مسلمانان در دستور کار مبلغان اوانجلیست قرار دارد. آنها حضرت محمد(ص) را با عناوین توهین‌آمیزی خطاب کرده و او را در مقابل حضرت مسیح(ع) و قرآن را نیز در تضاد با انجیل توصیف می‌کنند. در اینجا، حمله به دال مرکزی اسلام با مؤلفه غیریت‌سازی تلفیق شده و دوگانه اسلام/مسیحیت، حضرت محمد(ص)/ حضرت مسیح(ع) و قرآن/انجیل در گفتمان اسلام‌هراسی مسیحیان اوانجلیست صورت‌بندی می‌شود. این مبلغان در گام بعدی، خشونت، ترور و نقض حقوق زنان، عقب ماندگی، خرافه‌گرایی، غیرعقلانی بودن و دشمنی با اقلیت‌ها را شاخصه‌های اسلام و صلح، قربانی ترور،

درویش پور

آزادی زنان، پیشرفت و عقلانیت را از ویژگی‌های تمدن غرب می‌دانند. در گفتمان مسیحیان اوانجلیست، ما(غرب) // آنها(مسلمانان) جایگاه ویژه‌ای دارد و اعتقاد بر این است که مسلمانان نمی‌توانند در جهان چند فرهنگی غرب به طور مسالمت‌آمیز زندگی کنند و باید از ورود آنها به کشورهای غربی جلوگیری شود. این شکاف‌ها و برجسته شدن مؤلفه غیریت‌سازی در رسانه‌ها آنها مشهود است؛ مسلمانان از نظر آنان اغلب افراطی، تروریست و دین اسلام، دینی بنیادگرا تصور می‌شود و از آنجا که بیشتر افکار عمومی غرب اطلاعاتشان درباره اسلام را فقط از طریق رسانه‌ها کسب می‌کنند، آنها تصورات غلطی را همچون اینکه مسلمانان می‌خواهند جهان را تسخیر کنند و اسلام‌افراطی درون جامعه و دولت راه پیدا کرده است، را گسترش می‌دهند. سیاست‌مداران در سطح ملی، ایالتی و منطقه‌ای در غرب نیز با اتکا به این رسانه‌ها، پیام‌های ضداسلامی خود را برای سازمان‌های مردمی محافظه‌کار و گروه‌های مذهبی جناح راست منتشر می‌کنند و همواره رسانه‌ها به این افراد کمک می‌کنند تا منابع مالی را برای جذب آرای مردم به دست بیاورند. در واقع فعالان حوزه مسائل ضداسلامی دریافتند با در اختیار گرفتن این رسانه‌ها از جمله وبلاگ‌ها و رادیوها و برنامه‌های تلویزیونی می‌توانند اعتبار بیشتری برای خود به دست بیاورند. به این نتیجه می‌رسیم که پروژه اسلام‌هراسی و تخریب چهره مسلمانان، به شکل پیچیده و نظام‌مندی در رسانه‌های غرب دنبال می‌شود و از دیدگاه غالب پژوهشگران، دلایل و شواهد متقن و غیرقابل انکاری در این زمینه موجود است.

منابع

- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، یادگفتمان و سیاست، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی
- تقی‌زاده داوری، محمود، (۱۳۸۲)، تصویر شیعه در دایره المعارف امریکانا، تهران، نشر بین الملل
- حسینی‌زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۸۳)، نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۸
- حسینی‌زاده، محمدعلی، (۱۳۸۶)، اسلام سیاسی در ایران، قم، انتشارات دانشگاه مفید
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۵)، روش شناسی علوم سیاسی، قم، مفید
- دهشیری، محمدرضا، (۱۳۹۲)، اسلام‌هراسی در غرب: جنگ سرد جدید فرهنگی علیه مسلمانان در امریکا و انگلیس، تهران، مؤسسه فرهنگی و هنری و انتشارات بین‌المللی المهدی
- سعید، بابی (۱۳۷۹)، هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی، ترجمه غلامرضا جمشیدیها و موسی عنبری، انتشارات دانشگاه تهران
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴)، قدرت، گفتمان و زبان، تهران، نی
- سیدامامی، کاووس و سید محمدمهدی حسینی‌فائق، (۱۳۹۰)، زمینه های رشد اسلام‌هراسی ساختمان‌د در بریتانیا، دو فصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی، ش ۱۴
- شفیعی سروستانی، اسماعیل، (۱۳۹۰)، مسیحیان صهیونیست و عملکرد آنان در شرق اسلامی، تهران، هلال
- فیلیپس، لوئیز و یورگنسن ماریان (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نی
- مجیدی، محمدرضا؛ صادقی، محمدمهدی (۱۳۹۳)، اسلام‌هراسی غربی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)
- مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰)، «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و نقد آن، فصلنامه معرفت فرهنگی و اجتماعی»، ش ۲

اهداف گفتمان اسلام-هراسی در اندیشه سیاسی اوانجلیسم / آقاجانی- اطهری- حاتمی-

درویش پور

کسرای، محمدسالار؛ شیرازی، علی، (۱۳۸۸)، نظریه گفتمان لاکلا و موفه، ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده های سیاسی، فصلنامه سیاست شماره ۳۹.

Allen, C. (2010). Islamophobia, Birmingham, Published by Ashgate.

Brown, R. (2006, September 3). John Hagee warns against redical Islam, Religion News

Mantyla, K. (2009 November 10). Robertson: Muslims Should Be Treated Like' Some. McCarthy, C.M. (2010 September). Shariah: The Threat to America, Nat ional Review. Retrieved from

Richardson, R. (2009). Islamophobia or Anti-Muslim Racism – or What? – Concepts and terms revisited. Retrieved from: www.insted.co.uk/anti-muslim-racism.pdf.

Ali, W. Clifton, E. Duss, M. Fang, L., Keyes, S. &Shakir.F. (2011). Fear, Inc. The Roots of the Islamophobia Network in America, Center for American Progress.

Clifton ,E. (2011 August 3). Spencer's Double Standard: I'm Not Responsible for Norway Terrorist, But <http://www.nationalreview.com/corner/246769/shariah-threat-america - andy-mccarthy>.

Posner, S. (2011, March 8). Welcome to the Shari ah Conspiracy Theory Industry, Religion Dispatches. Retrieved from: <http://www.alternet>.

Mac Niol, G. (2010, October 4). Franklin Graham: Muslims in America Are Here To Build Mosques and Convert People, Mediaite, Retrieved from: <http://www.mediaite.com /online/franklin-graham-Muslims>.